

درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود مدیران: با تاکید بر کیفیت حسابرسی

فاطمه رازمنش

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
Fatirazmanesh685@gmail.com

مهدی غلامرضائی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.
Mahdicr737@gmail.com

محمد تقی ملا

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.
Farshadtm723@gmail.com

چکیده

پیش‌بینی سود مدیران، اطلاعاتی درباره سود مورد انتظار شرکت ارائه می‌کند و جنبه‌ای کلیدی از افشا به شمار می‌رود. بطوری که مدیران به عنوان مطلع‌ترین افراد از وضعیت فعلی و آتی شرکت، اطلاعات خود را به افراد برون‌سازمانی مخابره می‌کنند و از این طریق اقدام به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌کنند. از طرف دیگر بر پایه رویکرد فرصت‌طلبانه، مدیر با استفاده از سیاست‌های افشا برای جلوگیری از مشکلات کار، تهدید از دست دادن اعتبار مدیریت و به خاطر وجود مشکلات مالی در زمان درماندگی مالی، دست به پیش‌بینی سود خوشبینانه می‌گذارد. اما، حسابرسان با استقلال بیشتر و تبانی کمتر با مدیر و توانایی در کشف تحریف‌ها موجب نظارت بهتر بر گزارش‌های مدیریتی می‌شوند. بطوری که در زمان درماندگی مالی، پیش‌بینی سود خوشبینانه را محدود می‌کند. پژوهش‌های بسیاری در زمینه پیش‌بینی سود مدیران انجام شده است، ولی تاکنون به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین پیش‌بینی سود مدیران و درماندگی مالی پرداخته نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی پیش‌بینی سود مدیران و درماندگی مالی با تاکید بر کیفیت حسابرسی می‌پردازد. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۱۰۹ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۶ انتخاب و آزمون شده است. نتایج با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که درماندگی مالی سبب افزایش پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیران می‌شود. اما، کیفیت حسابرسی با معیار خطای نوع دوم تاثیری بر رابطه درماندگی مالی و پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیران تاثیری ندارد.

واژگان کلیدی: پیش‌بینی سود، درماندگی مالی، کیفیت حسابرسی، خطای نوع دوم حسابرسی.

مقدمه

سود به عنوان مهمترین شاخص اندازه‌گیری عملکرد یک واحد اقتصادی از دیرباز تا کنون جایگاه ویژه‌ای خود را در مباحث نظری حفظ کرده است (حاجیها و چناری بوکت، ۱۳۹۵ و خالقی مقدم و آزاد، ۱۳۹۱). در حقیقت، سهامداران جهت اتخاذ تصمیم‌های صحیح و مناسب، نیازمند اطلاعاتی سودمند هستند. در این میان، اطلاعات مربوط به سود هر سهم و سود سهام پیش‌بینی شده، مقیاسی است که از نظر بسیاری از استفاده‌کنندگان با اهمیت و مربوط تلقی شده و در تصمیم‌گیری‌های خود از آن استفاده می‌کنند (مرادی و صاحب، ۱۳۹۴). پیش‌بینی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در سطح یک بنگاه اقتصادی، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیریت و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به پیش‌بینی‌های خود یا دیگران اتکا می‌نمایند. از آنجا که بیشتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی

مستقیم به اطلاعات مالی دسترسی ندارند به ناچار به پیش‌بینی‌های ارایه شده توسط مدیریت اتکا می‌کنند. در همین راستا سازمان بورس و اوراق بهادار کشور شرکت‌های بورسی را ملزم نمود تا پیش‌بینی آتی سود را برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ارایه دهند (چانگ و همکاران^۱، ۲۰۰۸ و مشکی و عاصی ربانی، ۱۳۹۰). از این رو، پیش‌بینی سود از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا از متغیرهای موثر بر قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان به حساب می‌آید (آل بوشوکه و بهشتی، ۱۳۹۷).

پیش‌بینی سود مدیریت نوعی افشای اجباری است، که اطلاعاتی درخصوص سود مورد انتظار شرکت ارائه می‌کند و جنبه‌ای کلیدی از افشا به حساب می‌آید (هرست^۲، ۲۰۰۸). هرچند نتیجه بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیریت از طریق افشا، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد، ولی این افشا می‌تواند با خطاهایی همراه باشد (گانگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۹)؛ چرا که محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند به علت تغییرات همواره با بی‌ثباتی همراه است و به همین سبب مدیران از دورنمای تجاری شرکت ارزیابی درستی ندارند و از این رو، خطاهای عادی در افشای اجباری و اختیاری آنها اجتناب‌ناپذیر است (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹). از منظر دیگر، اهمیت سود پیش‌بینی شده به میزان انحرافی که با مقدار واقعی آن دارد، وابسته است. هر چه میزان این انحراف بیشتر باشد، پیش‌بینی از دقت کمتری برخوردار خواهد بود (ریس و کریشنان^۴، ۲۰۰۷). در صورتی که سود واقعی کمتر از سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت باشد، نوع پیش‌بینی را خوش‌بینانه و در صورتی که سود واقعی بیشتر از سود پیش‌بینی شده باشد، اعتبار شرکت در برآوردن انتظارات زیر سوال می‌رود. با توجه به اهمیت پیش‌بینی سود لازم است که به عوامل موثر بر آن از قبیل درماندگی مالی پرداخته شود.

درماندگی مالی بیانگر یک وضعیت منفی در واحد تجاری است که طی آن ارزش بدهی‌های شرکت بیش از ارزش متعارف دارایی‌های آن می‌باشد. این وضعیت ممکن است موقتی بوده و یا در نهایت منجر به ورشکستگی کامل (ناتوانی در ادامه‌ی فعالیت) شود. به عبارت دیگر، درماندگی مالی و ورشکستگی شرکت‌ها به هدر رفتن منابع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. پیش‌بینی درماندگی مالی یا طراحی شاخص‌ها و الگوهای مناسب می‌تواند واحدهای اقتصادی را نسبت به وقوع درماندگی مالی و ورشکستگی آگاه سازد تا با توجه به این هشدارها سیاست مناسبی را اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، فعالان بازار سرمایه و بازار پول نیازمند آگاهی و دانش نسبت به وضعیت مالی شرکت‌های موجود و کارایی آنها می‌باشند (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

مدیران شرکت‌ها برای افزایش ارزش افزوده، رفع نگرانی‌های شغلی و یا مادامیکه تحت فشار زیادی از نظر تهدید خاتمه فعالیت در شرکت و انحلال شرکت هستند، از پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه استفاده می‌کنند (کوچ^۵، ۲۰۰۲). نگرانی‌های موجود در کسب و کار و قراردادهای خصوصاً در زمان درماندگی مالی سبب ایجاد انگیزه در مدیران به منظور انتشار پیش‌بینی‌های خوشبینانه سود برای تغییر ادراک درباره ارزش شرکت می‌شود. به این امید که با پیش‌بینی بیش از حد خوشبینانه، فرصتی برای بهبود عملکرد آتی شرکت به دست آورند و اخراج خود را به تاخیر بیندازند. در عین حال، اثر پیامدها برای انتشار افشا نادرست مانند از دست دادن اعتبار، از دست دادن فرصت‌های شغلی، و اقدامات قانونی برای مدیران شرکت‌های دچار درماندگی مالی کم می‌باشد. زیرا آنها در این شرایط با احتمال کمتری موقعیت خود را به مدت طولانی حفظ می‌کنند.

¹ Chong, Millicent, Juliana & Karen Yu

² Hirst, Koonce & Venkatarman

³ Gong

⁴ Rise and Krishnan

⁵ Koch

مک نیکولس^۱ (۱۹۸۹) بیان می‌کند حتی اگر سرمایه‌گذاران بتوانند به طور کامل نتایج شرکت را تحلیل کنند، مدیریت دارای انگیزه‌های زیادی برای پیش‌بینی سود خوشبینانه بصورت غیرمستقیم است چرا که با ارائه اطلاعات نادرست، تفکر مشتریان، تامین کنندگان، و یا ذینفعان خارجی شرکت را منحرف می‌کند. به علاوه مدیر با استفاده از سیاست‌های افشا نیز می‌تواند به برطرف کردن یک تصویر مالی منفی در مورد عملکرد خود بپردازد. بنابراین مدیریت شرکت‌های دارای درماندگی مالی به انتشار گزارش‌های بسیار خوشبینانه می‌پردازد. مدیران شرکت‌های دارای درماندگی مالی ممکن است کاهش ارزش دارایی‌های سهام و کاهش فروش شرکت را تجربه کنند. این امر منجر به این احتمال می‌شود که مدیران می‌تواند از دوره پس از پیش‌بینی سود خوشبینانه، به عنوان فرصتی برای نجات منابع و اعتبار خود استفاده کند.

متعاقباً، ارتباط بین درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود توسط عوامل مختلفی از جمله کیفیت حسابرسی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. دی‌آنجلو^۲ (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده می‌داند. واضح است که اگر کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، حسابدهی و مباحثت مدیریت به طور شفاف به استفاده‌کنندگان ارائه می‌شود. از منظر دیگر، حسابرسان با استقلال بیشتر و تئانی کمتر با مدیر و توانایی در کشف تحریف‌ها موجب نظارت بهتر بر گزارش‌های مدیریتی می‌شوند. لذا، کیفیت حسابرسی بالا سبب افزایش قابلیت اتکا سودهای پیش‌بینی شده (لی و همکاران^۳، ۲۰۰۶؛ بهن و همکاران^۴، ۲۰۰۸ و ودیعی و همکاران، ۱۳۹۷) حتی در شرایط درماندگی مالی می‌شود. از این رو، سوال پژوهش بصورت ذیل تدوین می‌شود:

آیا درماندگی مالی بر خطای پیش‌بینی سود مدیریت (خوشبینانه) اثر می‌گذارد؟

آیا کیفیت حسابرسی بر رابطه بین درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود مدیریت (خوشبینانه) اثر می‌گذارد؟

مبانی نظری

پیش‌بینی عامل مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن به عنوان یک عامل تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از دیرباز مورد علاقه سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی، محققان و اعتباردهندگان بوده است. در بازار سرمایه ارزش جاری شرکت و سهام آن به میزان سودهای آتی که از جانب شرکت به سوی سهامداران جریان خواهد داشت بستگی دارد از این رو سرمایه‌گذاران تمایل دارند تا اطلاعاتی درباره سود آینده شرکت داشته باشند. پیش‌بینی سودآوری آتی شرکت از راه‌های مختلف انجام می‌شود که مهمترین آن پیش‌بینی سود توسط مدیریت است (رضایی و رضی کاظمی، ۱۳۹۴). پیش‌بینی انجام شده همچون سایر اطلاعات مالی در صورتیکه دارای ویژگی‌های کیفی لازم باشد به بهبود فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی کمک شایانی می‌کند. از آنجا که سود پیش‌بینی شده در ارزیابی آینده واحد تجاری به استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی کمک می‌کند واجد ویژگی کیفی مربوط بودن است و در صورتی که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه نیز باشد واجد ویژگی کیفی قابلیت اتکا خواهد بود و در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان مفید واقع خواهد شد. برخی اوقات مدیران برای دستیابی به منافع خود دست تحریف اطلاعات مالی از جمله پیش‌بینی سود می‌زنند.

¹ McNichols, M

² DeAngelo, L

³ Lee Philip J, Taylor Sarah J, Taylor Stephen L

⁴ Behn, B. K; Choi, J. H. and Kang, T

کوچ^۱ (۲۰۰۲) بیان می‌کند مدیران زمانی که عملکرد ضعیفی دارد تحت فشار زیادی از جمله این فشارها، از دست دادن جایگاه خود در شرکت، انحلال شرکت یا تحریم شرکت می‌باشند. مطالعات متعدد قبلی نشان داده است که تغییرات غیر عادی مدیریت با عملکرد ضعیف مالی مرتبط است. به عنوان مثال، گیلسون^۲ (۱۹۸۹) بیان می‌کند نسبت تغییر رئیس هیئت مدیره، مدیر عامل شرکت، ۵۲ درصد در هر سال برای شرکت‌هایی که به طور پیش فرض، ورشکسته، و یا تجدید ساختار بدهی داشته اند و نسبت تغییر ۱۹ درصد در هر سال برای شرکت‌های که در معرض درماندگی مالی هستند، برعکس، وارنر، واتس و ورک^۳ (۱۹۸۸) این نسبت را برای شرکت‌های بدون مشکلات مالی ۱۱٫۵ درصد در سال می‌داند. با توجه به اینکه میزان وقوع درماندگی مالی در سال‌های اخیر در سراسر جهان بیش از هر زمان دیگری است. در دو دهه اخیر ارقام اقتصادی نشان‌دهنده افزایش بی‌سابقه‌ای از میزان درماندگی مالی و به تبع آن ورشکستگی است؛ و یکی از راه‌هایی که مدیران شرکت‌های دارای درماندگی مالی ممکن است برای مخفی کردن عملکرد ضعیف خود (به قصد کسب فرصت و به تاخیر انداختن ورشکستگی) از آنان استفاده کنند، دستکاری افزایش سود حسابداری است (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۴ و راسنر^۴، ۲۰۰۳).

نگرانی‌های مدیران در رابطه با برکناری از منصب خود ممکن است مدیران شرکت‌های دارای ناتوانی مالی را در پیش‌بینی سود خوشبینانه‌تر کند، به این امید که با پیش‌بینی بیش از حد خوشبینانه، فرصتی برای بهبود عملکرد آتی شرکت به دست آورند و اخراج خود را به تاخیر بیندازند. آریا و همکاران^۵ (۱۹۹۸) نشان دادند که مدیریت سود به خاطر عدم توانایی مالکان در رابطه با تحلیل تصمیم‌گیری مدیران ایجاد می‌شود. تقاضا برای مدیریت سود به خاطر این است که مدیران می‌توانند سود را طوری افشا کنند که اخراج خود را به تاخیر بیندازد در نتیجه یک سطح بالاتر از سود مورد انتظار مالکان را برای نمایش سود در نظر می‌گیرند. در این راستا، مک نیلهولز^۶ (۱۹۸۹) بیان می‌کند حتی اگر سرمایه‌گذاران بتوانند به طور کامل نتایج شرکت را تحلیل کنند، مدیریت با انگیزه منحرف کردن تفکر مشتریان، تامین‌کنندگان و یا ذینفعان به پیش‌بینی سود خوشبینانه می‌پردازند. بعلاوه، بورستهلر و دیچف^۷ (۱۹۹۷) بیان می‌کنند مدیران می‌توانند با انتشار گزارش‌های مالی طولانی و پیچیده‌تر و دارای هزینه‌های پردازش اطلاعات مالی زیادتر، بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند زیرا ذینفعان توان تحلیل این اطلاعات را ندارند. بعلاوه مدیر با استفاده از سیاست‌های افشا نیز می‌تواند به برطرف کردن یک تصویر مالی منفی در مورد عملکرد خود بپردازد. بنابراین مدیریت شرکت‌ها برای جلوگیری از مشکلات کار، تامین‌کننده، مشتری در ارتباط با وجود درماندگی مالی در شرکت به انتشار گزارش‌های بسیار خوش بینانه می‌پردازد.

بنابراین مدیران شرکت‌های دارای درماندگی مالی ممکن است کاهش ارزش دارایی‌های سهام و کاهش فروش شرکت را تجربه کنند. در این راستا، کوچ^۸ (۲۰۰۲) بیان می‌کند پیش‌بینی سود خوشبینانه، از تاثیر تهدید از دست دادن اعتبار مدیریت به خاطر وجود مشکلات مالی شرکت می‌کاهد چرا که مدیر فرصت بیشتری دارد تا از هدر رفتن اعتبار خود جلوگیری کند. در نهایت، این امر منجر به این احتمال می‌شود که مدیران می‌تواند از دوره پس از پیش‌بینی سود خوشبینانه، به عنوان فرصتی برای نجات منابع و اعتبار خود استفاده کند. بنابراین فرضیه اول پژوهش بصورت ذیل تدوین می‌شود:

¹ Koch

² Gilson

³ Warner, Watts & Wruck.

⁴ Rosner

⁵ Arya, Glover & Sunder.

⁶ McNichols & O'Brien.

⁷ Burghstahler & I. Dichev.

⁸ Koch

فرضیه اول: در شرکت‌های با درماندگی مالی، پیش‌بینی سود مدیریت خوشبینانه‌تر است.

صورت‌های مالی منبع اولیه اطلاعات مورد نیاز در بازار سرمایه است. اطلاعات این صورت‌ها باید برای استفاده‌کنندگان از اعتبار منطقی برخوردار باشد. حسابرسان با ارزیابی مستقل صورت‌های مالی از صحت و بیطرفی اطلاعات این صورت‌ها و تهیه آن بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری گزارش می‌دهند و به آن اعتبار می‌بخشند (بهمن و همکاران، ۲۰۰۷^۱). از دیدگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، گزارش حسابرسی به دلیل افزایش احتمال کشف اشتباهات با اهمیت و موارد عدم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری بسیار با ارزش است (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). از این‌رو، کیفیت بالای حسابرسی، قابلیت اتکای گزارشگری را با کاهش خطاهای عمدی و غیرعمدی، افزایش می‌دهد (بکر و همکاران، ۱۹۹۸). از طرفی، اطلاعات سودهای اعلان شده در دوره‌های قبل در صورت‌های مالی، شاخص مناسبی برای پیش‌بینی سود آتی توسط استفاده‌کنندگان می‌باشد (اسکیپر، ۱۹۹۱^۳). لذا استفاده‌کنندگان، علاوه بر اینکه، بهتر می‌توانند میزان خوش بینی مدیران را در هنگام پیش‌بینی سود تشخیص دهند، درماندگی مالی شرکت را نیز بهتر پیش‌بینی می‌کنند. لذا وجود حسابرسی با کیفیت، از نگرش خوش بینانه پیش‌بینی سود مدیران، هنگام درماندگی مالی می‌کاهد (لی و همکاران، ۲۰۰۶؛ بهمن و همکاران، ۲۰۰۸ و ودیعی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین فرضیه دوم پژوهش بصورت ذیل تدوین شده است.

فرضیه دوم: در شرکت‌های با درماندگی مالی، کیفیت حسابرسی، از پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیریت می‌کاهد.

پیشینه پژوهش

یافته‌های پیشین عده‌ای در حوزه خطا و ریسک پیش‌بینی سود وجود دارد. نمازی و شمس‌الدینی (۱۳۸۶) بین رشد سود، رشد فروش، رشد داراییها، سود پیش‌بینی شده در گذشته، اهرم مالی، قیمت سهام و دقت پیش‌بینی سود، رابطه وجود دارد؛ اما بین سود سهام پرداختی و اندازه شرکت با دقت پیش‌بینی سود، رابطه ای نیست. همچنین نتایج نشان داد که بین رشد سود و اهرم مالی با دقت پیش‌بینی سود، رابطه وجود دارد. کردستانی (۱۳۸۸) رابطه ارزش افزوده اقتصادی و نقدی را با خطای پیش‌بینی سود مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ارزش افزوده اقتصادی و نقدی در خطای پیش‌بینی سود براساس داده‌های تلفیقی دارای محتوای اطلاعاتی نسبی بوده و در پیش‌بینی سودمند است. در نتیجه ارزش افزوده اقتصادی در ارتباط با خطای پیش‌بینی سود شاخص بهتری نسبت به سود عملیاتی، ارزش افزوده نقدی و وجه نقد عملیاتی است.

خلیفه سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود دریافتند که بین خطای پیش‌بینی سود مدیریت و اقلام تعهدی ارتباط مثبت هست و در شرکت‌هایی که در محیط تجاری نامطمئن فعالیت می‌کنند این ارتباط قوی‌تر است. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین خطای پیش‌بینی سود مدیریت و کل اقلام تعهدی اختیاری بوده است. نتایج سایر فرضیات گویای این مطلب است، که پیش‌بینی مدیریت جهت تأمین مالی از طریق بدهی، رابطه مثبت معنادار بین اقلام تعهدی اختیاری مثبت با خطای پیش‌بینی سود مدیریت ایجاد می‌کند.

پورهاشم و طالب نیا (۱۳۹۲) بررسی تاثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت‌های دارای درماندگی مالی پرداختند و نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این است که با وجود اعمال بیشتر مدیریت سود در شرکت‌های دارای بحران مالی؛ کیفیت سود اندازه‌گیری شده با معیار محافظه‌کاری مشروط در هر دو گروه یکسان بوده و تفاوتی ندارد.

¹ Behn. B. K, Choi. J. H & Kang. T

² Becker, C. L., DeFond, M. L., Jambalvo, J. and Subramanyam, K. R.

³ Schipper

ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی درماندگی مالی به عنوان عاملی برای وقوع مدیریت سود پرداختند در انتها نتایج آماری پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت شرکت در سال قبل ورشکستگی به دستکاری اقلام واقعی (دستکاری درآمدها و دستکاری هزینه‌های تولیدی) می‌پردازند، اما به دستکاری اقلام تعهدی سرمایه در گردش مبادرت نمی‌نمایند. وای هوی^۱ و همکاران (۲۰۰۹) اثر محافظه‌کاری را در پیش‌بینی سود مدیریت مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها پیشنهاد می‌کند که عمل به حسابداری محافظه کارانه به عنوان جانشین برای پیش‌بینی‌های مدیریت است و به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار، کاهش بالقوه دعاوی قضایی از طریق گزارشگری بموقع اخبار نامساعد منجر گردد. فانگ^۲ (۲۰۰۹) نقش دقت پیش‌بینی مدیریت را در برآورد خطای پیش‌بینی سود مدیریت مورد مطالعه قرار داد. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که رابطه‌ای با اهمیت و منفی بین دقت پیش‌بینی و خطای پیش‌بینی مدیریت هست. این یافته‌ها با این فرضیه سازگار است که پیش‌بینی‌هایی خوش‌بینانه است که با سطح کمتری از دقت پیش‌بینی همراه باشد. همچنین این رابطه برای پیش‌بینی‌های با افق زمانی طولانی، قویتر است. هاتن^۳ (۲۰۰۹) ویژگی‌های پیش‌بینی‌های مثبت شده شرکت و چگونگی تأثیر دقت پیش‌بینی‌های سود قبلی را در پاسخ سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی سود آینده را مورد بررسی قرار دادند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رفتار پیش‌بینی‌های قبلی شرکت اجازه می‌دهد تا برای پیش‌بینی‌ها اعتبار و شهرت ایجاد شود. وی هونگ زو^۴ (۲۰۰۹) بررسی کرد چگونه پیش‌بینی سود مدیریت کاملاً بر انعکاس اقلام تعهدی بر سودهای سال آینده دلالت دارد. او دریافت که پیش‌بینی جانبدارانه وابسته به اقلام تعهدی در محدوده پیش‌بینی‌ها تا چه حد بر میزان فرصت‌طلبی مدیران و ترس از دعاوی قضایی تأثیر دارد و سرانجام این نتیجه رسید که قیمت‌گذاری نادرست اقلام تعهدی برای شرکت‌هایی که محدوده پیش‌بینی‌ها را منتشر می‌کنند، مصداق دارد و برای شرکت‌هایی که نقطه پیش‌بینی را منتشر می‌نمایند، مصداق ندارد. نتیجه بررسی چویی^۵ و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که دقت پیش‌بینی به طور معکوس با خطای پیش‌بینی مدیریت در ارتباط است. این ارتباط در زمان پیش‌بینی اخبار بد نسبت به زمان پیش‌بینی اخبار خوب قوی‌تر است. همچنین دقت پیش‌بینی با خطای پیش‌بینی نیز ارتباط معکوس دارد و زمانی که خطای پیش‌بینی منفی است، این ارتباط معکوس تشدید می‌شود. لی^۶ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین جابجایی مدیر عامل و صحت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین وقتی عملکرد شرکت ضعیف است بین احتمال جابجایی مدیرعامل و قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه مثبت هم برای خطای مثبت پیش‌بینی (سود پیش‌بینی شده بیشتر از سود واقعی باشد) و هم برای خطای منفی پیش‌بینی (سود پیش‌بینی شده کمتر از سود واقعی باشد) وجود دارد. آنها دریافتند که هیئت مدیره از دقت پیش‌بینی مدیرعامل به عنوان معیاری برای ارزیابی توانایی‌های او استفاده می‌کند و مدیران هزینه پیش‌بینی نادرست خود را با برکنار شدن از سمت خود می‌پردازند.

¹ Wow Hui

² Fang

³ Hutton

⁴ Wei Hong Zhu

⁵ Choi

⁶ Lee

فرانچ شتی^۱ (۲۰۱۳) با بررسی یک نمونه ۳۰ تایی از شرکت‌های ورشکسته و ۳۰ تایی از شرکت‌های غیر ورشکسته به این نتیجه رسید که شرکت‌های ورشکسته میزان درآمدهای خود را قبل از ورشکستگی به طور قابل ملاحظه دستکاری می‌نمایند.

گرین و لوواتا^۲ (۲۰۱۳) نشان دادند که ارتباط میان ویژگی‌های شرکت قبل از ورشکستگی و ورشکستگی آنها، سه سال قبل از ورشکستگی نسبت به شرکت‌های منحل و یا تجدید ساختار نموده، متفاوت است. در دو سال قبل از ورشکستگی، ارقام تعهدی را به سمت بالا (یعنی تغییر مثبت) تغییر داده‌اند و شرکت‌ها سال قبل از ورشکستگی اقدام به تغییرات مثبت ارقام تعهدی نموده‌اند.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: در شرکت‌های با درماندگی مالی، پیش‌بینی سود مدیریت خوشبینانه‌تر است.

فرضیه دوم: در شرکت‌های با درماندگی مالی، کیفیت حسابرسی، از پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیریت می‌کاهد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، نمونه از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری، انتخاب خواهد شد. به این ترتیب که نمونه، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

(۱) اطلاعات صورت مالی آنها از سال ۱۳۹۱ به طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.

(۲) جزو شرکت‌های بیمه، بانک، لیزینگ و هلدینگ نباشد.

(۳) شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

توجه به شرایط ذکر شده، منجر به انتخاب ۱۰۹ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی حداقل مربعات به انجام آزمون فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود. طبق پژوهش کوچ (۲۰۰۲) به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه اول مدل (۱):

$$MFE_{it} = \beta_0 + \beta_1 fc_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 LAGE_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \sum \beta_j IndustryDum_{it} + \beta_k YearDum_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه دوم مدل (۲):

$$MFE_{it} = \beta_0 + \beta_1 fc_{it} + \beta_2 audit\ quality_{it} + \beta_3 audit\ quality * fc_{it} + \beta_4 LAGE_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 CFO_{it} + \sum \beta_j IndustryDum_{it} + \beta_k YearDum_{it} + \varepsilon_{it}$$

¹ Franchi Shetty

² Green and Luvata

متغیر وابسته: پیش بینی سود مدیران MFE_{it} :

گزارش سود آتی شرکت توسط مدیران به سهامداران از طریق ذیل محاسبه می‌گردد:

$$MFE_{it} = \frac{(eps - mf)}{P}$$

eps: سود پیش‌بینی شده مدیران.

mf: سود واقعی شرکت.

P: قیمت سهام شرکت‌ها در اولین روزی که مدیریت سود را پیش‌بینی کرده است.

متغیر مستقل: درماندگی مالی fc_{it} :

درماندگی مالی (FC): آلتمن برای پیش‌بینی ورشکستگی از میان ۲۲ نسبت مالی که نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت توان مالی و تداوم فعالیت شرکت دارند ۵ نسبت را که مهمترین نسبت‌های مالی در خصوص پیش‌بینی ورشکستگی به شمار می‌روند انتخاب کرد. و مدل خود را به صورت زیر ارائه نمود (ینی مهد و همکاران، ۱۳۹۵):

$$Z\text{-SCORE} = 1.2 X_1 + 1.4 X_2 + 0.3 X_3 + 0.6 X_4 + 0.99 X_5$$

X_1 : نسبت خالص سرمایه در گردش به کل دارایی.

X_2 : نسبت سود انباشته به کل دارایی.

X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها.

X_4 : نسبت ارزش بازار سهام به کل دارایی.

X_5 : نسبت فروش به کل دارایی.

هرچه شاخص حاصل‌شده برای شرکت کمتر باشد وضعیت مالی نامطلوب در آن شرکت بیشتر است بطوری که شرکت‌های بالای شاخص زد بالاتر از ۲,۹ دارای سلامت مالی و شرکت‌های با شاخص پایینتر از ۲,۹ به عنوان شرکت‌های درمانده مالی تلقی می‌شود و همچنین اگر شاخص التمن کمتر از ۱,۸ باشد شرکت ورشکسته می‌باشد.

متغیر تعدیل‌گر: کیفیت حسابرسی $audit\ quality_{it}$:

استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف و گزارش تخلف در سیستم حسابداری صاحبکار می‌باشند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی حسابرسی دشوار است زیرا، میزان اعتباری که حسابرس به صورت مالی می‌بخشد به سادگی قابل مشاهده نیست. در این مطالعه از خطای حسابرسی نوع دوم استفاده می‌شود.

خطای حسابرسی نوع دوم یا خطر پذیرش نادرست، چنانچه حسابرس در یک سال گزارش مقبول صادر کند و در سال مالی بعد، صورت‌های مالی صاحبکار تجدید ارائه شود، ۱ در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت صفر است (محمدرضایی، محمدصالح و احمد، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

LEV_{it} : نسبت بدهی، مجموع بدهی به دارایی‌های کل.

ROA_{it} : بازده سرمایه‌گذاری، محاسبه شده با در نظر گرفتن درآمد خالص تقسیم بر دارایی‌های کل.

$LOSS_{it}$: زیان ده بودن، اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.

$LAGE_{it}$: قدمت شرکت، لگاریتم طبیعی سن شرکت.

SIZE_{it}: اندازه صاحبکار، لگاریتم طبیعی از دارایی‌های کل.
CFO_{it}: نسبت نقدینگی، مجموع موجودی نقدی عملیاتی به کل دارایی‌ها.
YearDum & IndustryDum: متغیر سال صنعت: ده متغیر برای کنترل اثر صنعت و پنج متغیر برای کنترل اثر تغییرات در طول زمان.

یافته های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد. پیش بینی سود مدیران دارای میانگین ۹ درصد است که نشان می‌دهد، مدیران شرکت‌های نمونه مورد بررسی بیشتر نگاه خوش بینانه دارند همچنین میانگین درماندگی مالی شرکت‌ها ۱,۸۰۶ می‌باشد همچنین مشاهده می‌شود که نیمی از شرکت‌ها بیشتر از ۱,۷ و نیمی از شرکت‌ها کمتر از ۱,۷ می‌باشد بدین ترتیب نیمی از شرکت‌ها در سلامت و تردید مالی و نیمی در ورشکستگی و تردید مالی به سر می‌برند. مضافاً، بازده دارایی‌ها با میانگین ۹ درصد نشان‌دهنده آن است که واحدهای تجاری ۹ درصد سود و بازدهی از منابع و دارایی‌های تحت اختیار کسب می‌کند. نسبت بازده دارایی‌ها می‌تواند شاخص نهایی برای ارزیابی کفایت و کارایی مدیریت شرکت باشد. آمار توصیفی در شرکت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، این شرکت‌ها دارای قدمتی حدود ۱,۶ واحد است که حدود ۶۰ درصد منابع مالی خود را، از طریق بدهی تامین مالی می‌کنند و با توجه به اینکه میانه ای نزدیک به میانگین دارد، می‌توان عنوان کرد که ۶۰ درصد از شرکت‌ها ریسک مالی بالایی را پذیرفته‌اند. همچنین متغیر اندازه شرکت، که از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود دارای میانگین ۱۴,۱۴۳ می‌باشد، بدین معنی که در کل نمونه مورد بررسی داده‌های مربوط به این متغیر حول این مقدار تجمع یافته‌اند؛ و میزان انحراف معیار برای این متغیر ۱,۱۵۸ می‌باشد، بدین معنی که پراکندگی داده‌ها از میزان کمی برخوردار است. در پنل متغیرهای گسسته قابل مشاهده است که خطای نوع دوم حسابرسی ۲۵ درصد می‌باشد بدین معنی که حسابرس بطور میانگین برای ۲۵ درصد از مشاهدات دچار خطر پذیرش نادرست شده است. همچنین ۶ درصد از شرکت‌ها دچار زیان مالی شده‌اند.

جدول (۱): آمار توصیفی

پنل متغیرهای پیوسته						
نماد	متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
mfc	پیش بینی سود مدیران	۰,۰۹۱	۰,۰۰۰	۱,۱۸۱	-۱,۳۹۳	۰,۳۵۸
zscore	درماندگی مالی	۱,۸۰۶	۱,۷۰۱	۳,۵۷۴	۰,۳۵۹	۰,۸۷۶
age	سن شرکت	۱۶۰۹	۱۶۷۲	۱,۷۷۸	۱,۲۵۵	۰,۱۴۸
lev	نسبت بدهی	۰,۶۰۷	۰,۶۲۱	۰,۹۶۳	۰,۲۵۶	۰,۱۹۰
roa	بازده دارایی	۰,۱۰۲	۰,۰۸۸	۰,۳۳۵	-۰,۱۰۵	۰,۱۱۵
ocf	جریان وجه نقد عملیاتی	۰,۱۱۴	۰,۱۰۵	۰,۳۱۲	-۰,۰۵۶	۰,۱۰۲
size	اندازه شرکت	۱۴,۱۴۳	۱۴,۰۷۸	۱۶,۷۱۳	۱۲,۱۲۷	۱,۱۵۸
پنل متغیرهای گسسته						
	درصد عدم وجود خطای نوع دوم حسابرس	۷۴,۰۱۰				
	Aud-quality	درصد وجود خطای نوع دوم حسابری ۲۵,۹۹۰				

۹۳,۴۳۰	شرکت هایی که زیان ده نبوده اند	
۶,۵۷۰	شرکت هایی که زیان ده بوده اند	loss

آزمون هم خطی بین متغیرها

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می باشد. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسئله باعث می شود که تعداد متغیرهای معنادار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس VIF استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می باشد. نتایج که در جدول زیر ارائه شده نشان می دهد میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول (۲): هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی

متغیر	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس	تورم واریانس
درماندگی مالی	۲,۷۳۰	۰,۳۶۶	۳,۰۲۰	۰,۳۳۱
کیفیت حسابرسی (خطای نوع دوم)			۱,۰۶۰	۰,۹۴۸
کیفیت حسابرسی (خطای نوع دوم)*درماندگی مالی			۱,۴۴۰	۰,۶۹۶
زیانده	۱,۳۵۰	۰,۷۴۰	۱,۳۷۰	۰,۷۳۲
سن شرکت	۱,۱۲۰	۰,۸۹۴	۱,۱۲۰	۰,۸۹۱
نسبت بدهی	۲,۱۰۰	۰,۴۷۶	۲,۱۲۰	۰,۸۹۱
بازده دارایی	۴,۲۳۰	۰,۲۳۶	۴,۲۵۰	۰,۷۴۲
جریان وجه نقد عملیاتی	۱,۳۶۰	۰,۷۳۴	۱,۳۷۰	۰,۲۳۵
اندازه شرکت	۱,۵۸۰	۰,۶۳۳	۱,۶۰۰	۰,۷۳۲
مقدار ثابت		۲,۰۱۰		۰,۶۲۵
سال و صنعت	کنترل شد			

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اصلی اول "در شرکت های با درماندگی مالی، پیش بینی سود مدیریت خوشبینانه تر است." در جدول ۳ ارائه می شود.

جدول (۳): آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	T آماره	T احتمال آماره
درماندگی مالی	۰,۱۴۵	۰,۰۲۳	۶,۲۷۰	۰,۰۰۰
زیان ده بودن	-۰,۱۵۶	۰,۰۵۸	-۲,۶۹۰	۰,۰۰۷
سن شرکت	۰,۰۰۰	۰,۰۸۳	۰,۰۰۰	۰,۹۹۸
نسبت بدهی	-۱,۳۳۶	۰,۰۹۴	-۱۴,۲۰۰	۰,۰۰۰
بازده دارایی	-۱,۲۰۷	۰,۲۱۲	-۵,۶۸۰	۰,۰۰۰

۰,۳۱۲	-۱,۰۱۰	۰,۱۳۷	-۰,۱۳۸	جریان وجه نقد عملیاتی
۰,۰۵۳	۱,۹۴۰	۰,۰۱۴	۰,۰۲۷	اندازه شرکت
۰,۰۲۹	۲,۱۹۰	۰,۲۲۰	۰,۴۸۲	مقدار ثابت
سال و صنعت				
ضریب تعیین		آماره f	احتمال آماره F	
۰,۰۰۰		۳۰,۹۸۰	۰,۴۶۴	

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در آزمون مدل مقدار احتمال آماره F برابر صفر بوده و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است پس فرض صفر در اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنادار می‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شد نشان می‌دهد که ۴۶ درصد حدود تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. بدین ترتیب می‌توان سایر متغیرها را تفسیر نمود.

براساس نتایج مدل ارائه شده در جدول ۳ ضریب متغیر درماندگی مالی شرکت‌ها ۰,۱۴۵ است و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ضریب متغیر درماندگی مالی شرکت‌ها معنادار است. همچنین علامت مثبت این ضریب نشان از رابطه مستقیم بین درماندگی مالی شرکت‌ها و پیش‌بینی سود مدیریت می‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان بیان کرد مدیر با استفاده از سیاست‌های افشا برای جلوگیری از مشکلات کار و تهدید از دست دادن اعتبار مدیریت به خاطر وجود مشکلات مالی در زمان درماندگی مالی دست به پیش‌بینی سود خوشبینانه بردارد. پس می‌توان بیان کرد، بر این اساس فرضیه "در شرکت‌های با درماندگی مالی، پیش‌بینی سود مدیریت خوشبینانه‌تر است" تأیید می‌شود.

با توجه به اینکه حساب‌برسان از وضعیت مالی شرکت خبر دارند سطح اهمیت حساب‌رسی خود را افزایش می‌دهند و با هوشیاری بیشتری به حساب‌رسی شرکت می‌پردازند بطوری که دچار خطر پذیرش نادرست صورت‌های مالی نمی‌شوند بنابراین کیفیت حساب‌رسی با معیار خطای نوع دوم تأثیری بر رابطه درماندگی مالی و پیش‌بینی خوش‌بینانه مدیران تأثیری ندارد.

آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم "در شرکت‌های با درماندگی مالی، کیفیت حساب‌رسی، از پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیریت می‌کاهد" در جدول ۴ ارائه می‌شود.

جدول (۴): آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	T آماره	T احتمال آماره
درماندگی مالی	۰,۱۳۸	۰,۰۲۴	۵,۷۶۰	۰,۰۰۰
کیفیت حساب‌رسی (خطای نوع دوم)	۰,۰۳۳	۰,۰۲۸	۱,۲۰۰	۰,۲۳۰
کیفیت حساب‌رسی (خطای نوع دوم)* درماندگی مالی	۰,۰۲۳	۰,۰۳۰	۰,۷۵۰	۰,۴۵۴
زیان ده بودن	-۰,۱۴۹	۰,۰۵۸	-۲,۵۸۰	۰,۰۱۰
سن شرکت	-۰,۰۰۵	۰,۰۸۳	-۰,۰۶۰	۰,۹۵۱
نسبت بدهی	-۱,۳۲۶	۰,۰۹۴	-۱۴,۱۵۰	۰,۰۰۰
بازده دارایی	-۱,۱۹۷	۰,۲۱۱	-۵,۶۸۰	۰,۰۰۰
جریان وجه نقد عملیاتی	-۰,۱۳۲	۰,۱۳۶	-۰,۹۷۰	۰,۳۳۴
اندازه شرکت	۰,۰۲۶	۰,۰۱۴	۱,۸۹۰	۰,۰۵۹
مقدار ثابت	۰,۴۹۰	۰,۲۱۹	۲,۲۳۰	۰,۰۲۶

سال و صنعت	احتمال آماره F	ضریب تعیین
آماره f	۰,۴۶۴	۰,۰۰۰
۲۸,۳۷۰		

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در آزمون مدل مقدار احتمال آماره F برابر صفر بوده و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است پس فرض صفر در اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنادار می‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۴۶ درصد حدود تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

براساس نتایج مدل ارائه شده در جدول ۴ ضریب متغیر کیفیت حسابرسی (خطای نوع دوم) درماندگی مالی ۰,۰۲۳ است و علامت مثبت این ضریب نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی (با توجه به رابطه منفی کیفیت حسابرسی و خطر حسابرسی) سبب تضعیف رابطه بین درماندگی مالی و پیش بینی سود خوشبینانه مدیران می‌شود اما احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، این ضریب معنادار نمی‌باشد بدین ترتیب، با توجه به اینکه حسابرسان از وضعیت مالی شرکت خبر دارند سطح اهمیت حسابرسی خود را افزایش می‌دهند و با هوشیاری بیشتری به حسابرسی شرکت می‌پردازند بطوری که دچار خطر پذیرش نادرست صورت‌های مالی نمی‌شوند بنابراین کیفیت حسابرسی با معیار خطای نوع دوم تأثیری بر رابطه درماندگی مالی و پیش بینی خوشبینانه مدیران تأثیری ندارد. بر این اساس فرضیه "در شرکت‌های با درماندگی مالی، کیفیت حسابرسی، از پیش‌بینی سود خوشبینانه مدیریت می‌کاهد" تأیید نمی‌شود.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

پیش‌بینی سود مدیریت، نوعی افشای اجباری است که اطلاعاتی درباره سود مورد انتظار هر شرکت خاص ارائه می‌کند و جنبه‌ای کلیدی از افشا به شمار می‌رود (هرست^۱، ۲۰۰۸). اساساً افشای اختیاری و اجباری دو مجرای ارتباطی مهم مدیران برای انتقال اطلاعات به سهامداران بیرونی است. با این حال افشاهای می‌تواند خطاهایی نیز داشته باشد (خلیفه‌سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹). به عبارت سلیس‌تر، چارچوب نظری حسابداری مشابه با مدیریت سود، دو رویکرد متمایز در ارتباط با سود پیش‌بینی شده وجود دارد که عبارت‌اند از: رویکرد اطلاع‌رسانی و رویکرد رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت. طبق رویکرد پیام‌رسانی، مدیران به عنوان مطلع‌ترین افراد از وضعیت فعلی و آتی شرکت، اطلاعات خود را به افراد برون‌سازمانی مخابره می‌کنند و از این طریق اقدام به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌کنند. از طرف دیگر بر پایه رویکرد فرصت‌طلبانه، مدیران از عدم تقارن اطلاعاتی میان خود و اشخاص برون‌سازمانی به نفع خود بهره می‌برند و از این طریق اقدام به انتقال جریان منافع به سمت خود می‌کنند (حاجیها و چناری، ۱۳۹۵). از این رو، لازم است که به عوامل اثرگذار (نظیر درماندگی مالی) بر خطای پیش‌بینی سود توجه ویژه‌ای نمود.

بحران نشان‌دهنده یک تهدید جدی برای شرکت محسوب می‌شود؛ بطوریکه درماندگی مالی اثرات منفی زیادی بر فروش و سهم بازار، وفاداری و حمایت رفتارهای سهامداران و شهرت شرکت دارد. هنگامی که یک بحران در شرکت ایجاد می‌شود، درک عمومی از بحران و پاسخ شرکت به آن حیاتی است. بنابراین مسئولیت اجتماعی شرکت به عنوان یک مسئله مهم برای ارزیابی وضعیت شرکت در زمان درماندگی مالی به شمار می‌آید (لاریمی و همکاران، ۱۳۹۴). مدیران در زمان درماندگی مالی برای حفظ موقعیت شغلی درصدد هستند که عملکرد شرکت را مطلوب نشان دهند. از این رو، آنان در زمان اوضاع نابسامان واحد تجاری به تحریف صورت‌های مالی (نظیر خطای پیش‌بینی سود) روی می‌آورند.

¹ Hurst

بر اساس ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار ایران، سود پیش‌بینی شده شرکت‌ها باید حسابرسی شود و حساب‌برسان باید درباره ارزیابی مبانی مورد استفاده برای پیش‌بینی سود و معقول بودن این مبانی اظهار نظر کنند (عزیز خانی و صفروندی، ۱۳۹۱ و ودیعی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین حسابرسی نقش مهم و تاثیرگذاری در دقت و قابلیت اتکا سود پیش‌بینی شده و سود واقعی گزارش شده توسط مدیریت دارد. از آنجا که سطح اعتباردهی حسابرسی تابع کیفیت حسابرسی می‌باشد؛ بنابراین هر اندازه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، در نتیجه آن باید میزان خطای پیش‌بینی سود کمتر باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که درماندگی مالی سبب افزایش خطای پیش‌بینی سود می‌شود. از طرفی، کیفیت حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود ندارد.

پژوهش علمی و عملی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارند که خارج از کنترل و اختیارات محقق می‌باشند، ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش و تعمیم‌پذیری آن را تحت تاثیر قرار دهند و یا با مشکل مواجه سازند. توجه به این محدودیت‌ها می‌تواند فهم خواننده را در برداشت از نتایج پژوهش و تعمیم آن به موارد مشابه بیشتر سازد. پژوهش حاضر نیز از این موارد مستثنی نبوده و برخی از مهم‌ترین محدودیت‌ها عبارتند از:

(۱) قلمرو زمانی مطالعه حاضر از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ می‌باشد، بنابراین باید در تعمیم نتایج پژوهش به سال‌های قبل از ۱۳۹۱ و بعد از ۱۳۹۶ با احتیاط عمل شود.

(۲) از آنجایی که در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده شده است و منجر به حذف برخی از صنایع من جمله واسطه‌گری‌های مالی شده است، لذا در تعمیم نتایج به کل صنایع باید احتیاط لازم به عمل آید.

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج بدست آمده از آن برخی از پیشنهادها پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

- بر مبنای یافته‌های حاصل از آزمون کلیه فرضیه‌های این پژوهش، به حساب‌برسان و نهادهای ناظر مالی نظیر سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های خود نقش خطای پیش‌بینی سود را مورد توجه قرار داده و قوانین و مقرراتی را در این باره اتخاذ نمایند.
- اطلاعات مربوط به خطای پیش‌بینی سود می‌تواند به تصمیم‌گیری اعتباردهندگان در خصوص توان بازپرداخت بدهی‌های واحد تجاری یاری رساند. چرا که تحریف در سود گزارش شده ممکن است فرآیند بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی آتی شرکت را با مشکل مواجه کند.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش میانجی هزینه نمایندگی.
- نوسانات جریان نقدی و نگهداشت وجه نقد: با تاکید بر نقش میانجی اجتناب مالیاتی.
- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش تعدیلگر ثبات مالکیت نهادی.
- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی.
- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش تعدیلگر کیفیت هیات مدیره.
- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش تعدیلگر ویژگی‌های رفتاری مدیران.
- درماندگی مالی و خطای پیش‌بینی سود: با تاکید بر نقش تعدیلگر گزارش غیر مقبول جدید توسط حساب‌برس.

منابع

✓ ایزدی نیا، ناصر، منصور فر، غلامرضا، رشیدی خزایی، موسی، (۱۳۹۴)، درماندگی مالی به عنوان عاملی برای وقوع مدیریت سود، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۵-۴۷.

- ✓ آل بوشوکه، خدیجه، بهشتی، محمدصادق، (۱۳۹۷)، تاثیر خطای پیش‌بینی سود و بازدهی تعدیل شده بازار با استفاده از رفتار هزینه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- ✓ بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن پور، شیوا، (۱۳۹۵)، پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، انتشارات ترمه.
- ✓ حاجیه‌ها، زهره، چناری بوکت، حسن، (۱۳۹۵)، رابطه مدیریت سود و خطای پیش‌بینی سود با تأکید بر صورت‌های مالی میان دوره ای و پایان دوره‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۹-۴۸.
- ✓ خلیفه سلطانی، احمد، ملانظری، مهناز، دل پاک، سجاده، (۱۳۸۹)، ارتباط خطای پیش‌بینی سود مدیریت و ارقام تعهدی، مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۳، صص ۷۶-۵۹.
- ✓ کردستانی، غلامرضا، غیور، فرزاد، آشتاب، علی، (۱۳۹۰)، مقایسه کارایی نسبت‌های مالی مبتنی بر روش نقدی و روش تعهدی در پیش‌بینی در ماندگی مالی شرکت‌ها، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۹۱-۲۰۵.
- ✓ مرادی، مهدی، صاحب، سعید، (۱۳۹۴)، رابطه بین تلاطم بازده سهام و خطای مدیریت در پیش‌بینی سود، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۴، شماره ۷، صص ۷-۳۲.
- ✓ مشکى، مهدى، عاصى ربانى، محمود، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین خطای پیش‌بینی سود مدیریت با بازده غیرعادی سهام و ریسک سیستماتیک در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۶، صص ۵۳-۶۸.
- ✓ نمازی، محمد، شمس‌الدینی، کاظم، (۱۳۸۶)، بررسی سازه‌های مؤثر بر دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۲۵.
- ✓ نمازی، محمد، بایزیدی، انور، سعید جبارزاده، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری، شماره ۹، صص ۴-۲۱.
- ✓ ودیعی، محمد حسین، کاردان، بهزاد، هوشمند زعفرانیه، رحمت‌الله، (۱۳۹۷)، اثر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده واحدهای تجاری، معیار رتبه‌بندی حسابرس، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۵۲.
- ✓ Arya, A., J. Glover, and S. Sunder. 1998. Earnings management and the Revelation Principle.
- ✓ Behn, B. K; Choi, J. H. and Kang, T. (2008). Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. The Accounting Review, Vol. 83, No. 2, PP: 327-349.
- ✓ Burghstahler, D. and I. Dichev. 1997. Earnings management to avoid earnings decreases and losses. Journal of Accounting and Economics 24:99-126.
- ✓ Choi, J.H., Myers, L., Zang, Y., & Ziebart, D. (2010). The Roles that Forecast Surprise and Forecast Error Play in Determining Manageme Forecast Precision. Accounting Horizons, 24(2):165-188.
- ✓ Chong, Millicent; Ng, Juliana; and Karen Yu (2008). The Influence of Analyst and Management Forecasts on Investor Decision Making: An Experimental Approach. Australian Journal of Management. Vol. 33, No. 1, pp. 47-67.
- ✓ DeAngelo, L. (1981), Auditor size and auditor quality. Journal of Accounting and Economics, 3 (3): 183-199.
- ✓ Hirst, E, Koonce, L. and Venkataraman, S., (2008). Management Earnings Forecasts: A review and framework. Accounting Horizon, Vol. 22 No. 3, pp. 315-338.

- ✓ Lee Philip J, Taylor Sarah J, Taylor Stephen L, (2006). Auditor conservatism and audit quality: evidence from IPO earnings forecasts. *International*, Vol. 10, N 3, p: 183-199.
- ✓ Lee S.et ak. (2012). Management Forecast Accuracy and CEO Turnover . *THE Accounting Review* : Vol. 87, No. 6, pp. 2095-2122.
- ✓ McNichols, M.)1989(. Evidence of informational asymmetries from management earnings forecasts and stock returns. *Accounting Review* (January):1-27.
- ✓ Schipper. K. (1991). "Commentary on analysts forecasts", *Journal of accounting Horizons*. Vol. 5, No. 4, pp. 105-121.
- ✓ Wai H., Matsunaga, K. and Morse, D., (2009). The impact of Conservatism on management Earnings Forecasts," *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 40, pp 192-207
- ✓ Warner, J. , R. Watts, and K. Wruck. 1988. Stock prices and top management changes. *Journal of Financial Economics* (Jan/March):461-492.
- ✓ Watts, R., Zimmerman, J. (1981). The Markets for Independence and Independent Auditors. Working Paper, University of Rochester.

